



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۱۹/۰۶/۲۰۲۱

سیدهاشم سدید

## من به خط و زبانی که داریم، احترام می گذارم و با آن خوشم

در آغاز لزوماً باید به این نکته اشاره کنم که خط دری/فارسی، که با چند استثنای مختصر از خط عربی گرفته شده است، حاوی اشکالاتی، بعضاً مهم و قابل توجه، می باشد. من در این بابت با هر آن کسی که بر این نکته تأکید می ورزد و آن را تصریح و بیان می کند، موافق هستم و سخن ایشان را تأیید می کنم؛ اما از اینان با احترام می پرسم که در کدام زبان یا خطی در جهان ما دشواری هایی، در یکی کم و در دیگری بیش، وجود ندارد؟! دقیق به یادم نیست، ولی در یک اثر معتبری که به قلم یکی از ایرانیان ترتیب و از سوی یکی از ادارت دولتی این کشور در کتابی نشر شده بود، مطلب زیر را خواندم:

"... اما از خط فرانسه که دیگر نگو. جالب است بدانید که صدای "ا" را در خط فرانسه به چهل و پنج صورت نشان می دهند."

چهل و پنج صورت "ا"، نشان از پختگی زبان فرانسه دارد، اما لطفاً مشکل کودکان را در زمان یادگیری زبان و در مدرسه، گرچه کودکان از قابلیت های خاص یادگیری بهره برده اند، و مشکل خارجی ها را که می خواهند این زبان را یاد بگیرند، و در کل دامنه وسیعی مشکلات آوایی و نوشتاری زبان فرانسوی را یک بار نزد خود مجسم کنید و به رویکرد هایی که امروز به زبان و ساده ساختن آن می شود و بعد بگویید که کدام یک مشکل تر است. آیا وجود اشکال در یک زبان، خود یکی از نشانه های عیب در آن زبان نمی باشد؟

در همین مورد آقای دکتر پرویز خانلری، زبان شناس و ادیب مشهور ایرانی در کتاب "زبان شناسی و زبان فارسی، در صفحه 254" می نویسد: "شاید دو زبان انگلیسی و فرانسه بیش از همه زبان های جهان دچار اختلاف تلفظ و خط باشند."

اشاره برنارد شاو، نویسنده معروف انگلیسی، به دشواری خط و تلفظ یگان کلمه انگلیسی بسیار زیرکانه، جالب، و اگر آن را انتقاد بپنداریم، انتقادی کاملاً بجا است.

خواندن این نقد ظریفانه را برای همه آن کسانی که علاقمند به زبان و ادبیات خود و دیگران هستند، و فکر می کنند که تنها یک زبان مشکل دارد، خالی از سود نمی دانم.

او می نویسد:

"در این خط [خط انگلیسی] fish یعنی ماهی را چنین باید نوشت: ghoti. و چون به او ایراد گرفتند که چگونه این حرف چنان تلفظ می گردد، توضیح داد که حروف gh نشانۀ صوت f است؛ چنانکه در کلمه cough به معنی سرفه نوشته می شود. O نشانۀ صوت i (ای) است، آنگونه که در کلمه women و ti هم که در کلمات متعدد، مانند caution sh (ش) خوانده می شود." (ص 255، زبان شناسی و زبان فارسی، خانلری).

چنین مشکلی تنها در زبان ها و خط های فرانسوی و انگلیسی وجود ندارد؛ در زبان آلمانی هم در برخی موارد با چنین مشکلاتی بر می خوریم، که از آن جمله نوشتن حرف "چ" با چهار حرفی پیوسته با هم، یعنی حروف t,s,c,h (tsch) است.

وجود چهار حرف، با صدا های نزدیک به هم، مانند "ز"، "ذ"، "ظ" و "ض"؛ یا سه حرف نزدیک به هم، مانند "ص"، "ث" و "س"؛ یا دو حرف "ت" و "ط" و یا برخی از حروف دیگر که تفاوت و تشخیص آوایی دقیق آن ها، آنگونه که خود عرب ها بدان واقفند و آن ها را در موقع صحبت و تلاوت قرآن بدون نقص و اشکال ادا می کنند، برای ما دری زبانان، غیر از آنانی که زبان عربی را با فن درست ادا کردن حروف و کلمات، مانند فصحای عرب آموخته اند، آسان نیست.

ضرور هم نیست که ما برای یادگیری باریکی های آوایی این حروف زبان عربی، هر چند با گذشت کم و بیش 1200 سال این حروف و این خط دیگر حیثیت حروف و خط و تلفظ و زبان دری/فارسی را پیدا کرده اند، و در حالی که دنیا به سوی ساده ساختن خط و زبان خویش روانند، و باید بروند، خود را به عذاب الیم گرفتار کنیم و وقت خود را به جای اصلاح مطالبی با اهمیت، مانند: تدوین دستور خط، تألیف دستور زبان، تدوین لغتنامه معیاری با مختصات و لغات دری/افغانی، معیاری ساختن شیوه های نگارش، کاربرد صواب نشانه ها، نوشتن جستار هایی پیرامون تکوین، ماهیت و بسط و تحول زبان و علم زبان شناسی یا فراهم آوردن دایرة المعارف افغانی، تنها و تنها به کوشش خود، بیشتر از این ضایع بسازیم.

تا جایی که من اطلاع دارم، استاد بیتاب مرحوم و مرحوم قاری عبدالله با یکی دو ادیب و نویسنده دلسوز دیگر در زمان حیات شان تلاش هایی در خور تحسین و احترام برای اصلاح زبان و یک دست ساختن خط، همگون ساختن املا، معرفی شیوه بهتر نگارش و ترتیب دستور زبان و... کردند که با تأسف نتیجه ای آن چنانی از آن کوشش ها حاصل نشد (نه برای آن که آن ها زحمت نکشیدند و توانایی آن را نداشتند، بلکه برای آنکه چنین کاری از عهده سه - چهار نفر بیرون است) و اثر چندان مانایی از آن چه کردند، باقی نماند.

در همان سال ها (سال 1330 یا 1332) پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید، یکی از بزرگان سزاوار احترام و تمجید عرصه زبان و ادب در کشور ما، روحش شاد، نظر به هدایت فاکولته ادبیات وزارت معارف وقت جزوه ای را به نام "بحث انتقادی بر املا و انشای فارسی" برای همگون سازی املا و نشانه گذاری زبان دری تألیف کرد، ولی از آنجایی که کار پرحجم اصلاح خط و زبان از یک نفر، هر قدر توانا هم باشد، ساخته نیست و به برای یک نفر دشواری هایی خود را دارد، وی نیز در به سر رساندن این مأمول به گونه ای شاید و باید متأسفانه توفیقی به دست نیاورد.

کوشش های آقایانی پوهاند محمد رحیم الهام، پوهنوال محمد عمر زاهدی، واصف باختری، اعظم رهنورد زریاب، پوهنمل لطیف ناظمی و پوهیالی پویا فاریابی، هفت نفر از استادان پوهنتون کابل، دانشمندان اکادمی علوم و افراد مسلکی، که در سال 1363 به تاسی از پیشنهاد خانم پویا فاریابی از جانب اتحادیه نویسندگان ج.د.ا. تحت سرپرستی پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید برای همگون ساختن املا کلمات دری، رفع دشواری ها در زمینه نشانه گذاری ها، تلفظ صحیح کلمات و ایجاد سهولت در خواندن خط و آموختن زبان، توظیف شدند، هر چند حاصل کار شان کتابی بود در 63 صفحه و تاحدودی آموزنده، ولی در نهایت قسماً به سرنوشت کار هایی که قبل بر این تلاش ها صورت گرفته بود، دچار شدند.

موفقیت قسمی ذوات یاد شده در بند بالا در این کار بیشتر در این بود، که اینان، علاوه بر اینکه همه اکادمیکر و دانشمند و مسلکی و ادیب بودند و علاقه راستین به کاری که به آن ها سپرده شده بود، داشتند، کار شان از جانب دولت حمایت می شد.

تذکر این مطلب برای آن بود، که کار در زمینه اصلاح، بهبود و تحول خط و زبان در کل، همچنان رفع نارسایی های آن باید در قدم اول به اشخاصی اکادمیکر و دانشمند و ادیب و مسلکی، کسانی که در رشته زبان تحصیل رسمی نموده باشند و از ته دل به کار شان علاقه داشته باشند، سپرده شود؛ و در قدم دوم، این کار باید به حمایت همه جانبه دولت صورت گیرد.

تشبث های منفردانه اشخاص کار بدی نیست، اما اگر این تشبث ها از راه همکاری هایی بی شائبه و تبادل نظر های سازنده تنها برای یافتن راهی برای ایجاد یک نظام سالم و تحول یافته و کاراً در زمینه های اصلاح زبان و شکوفایی ادبیات و شیوه های نگارش و همگون سازی املا صورت نگیرد، چه فکر کنم که به نتیجه مطلوب برسد.

بحث ها در زمینه زبان و ادبیات و فرهنگ و...، به خصوص کار قاعده مند در زمینه معنانشناسی، باید علمی و ژرف و همه جانبه باشند؛ و با تشریح مساعی خالصانه و فعالیت فکری مسئولانه و هدفمند و ارائه نظریات مشخص در یک تیم کاری مهذب، و در خور اشخاص مسلکی و تحصیل کرده ای که خود را وقف وظیفه و یک امر ملی کرده باشند، صورت گیرد؛ نه برای فرو نشانیدن تمایلات نفس پرستانه!

ما مردمانی سرزمینی که اینک افغانستان نامیده می شود در طول تاریخ چند هزار ساله خود نظام های نوشتاری گوناگونی را تجربه نموده ایم: از اوستایی تا یونانی و باختری و شاید آرامی (خط پهلوی برگرفته از الفبای آرامی بود) و میخی اکدی و...، تا زمانی که به عربی رسیدیم.

آگاهان امور، محققین و زبان شناسان بعد از رمزگشایی زبان های کهن این خطه به این نتیجه رسیده اند که زبان عربی نه تنها آسان ترین آن همه زبان ها بوده است، که کامل ترین آن ها نیز می باشد.

بنابراین، هم به این دلیل، هم به دلیل آشنای دراز دامنی که ما با این زبان پیدا نموده ایم، هم به سبب آنسی که نسبت بدان داریم و هم به علت اجتناب از سونامی ای که آن طرفش معلوم نیست که چه خواهد شد؛ بهتر است همین خط و همین زبان را حفظ و قدر کنیم؛ بر فرض که نارسایی هایی هم داشته باشد.

تصور چهل و پنج نوع "ا" در یک زبان مرا چه، که همه را اگر دچار ترس نکند، به یقین دچار واهمه و نگرانی خواهد ساخت.

هر خطی، همانگونه که در بالا یاد شد، مشکلات خاص خود را دارد. آقای بهمن شهری، یکی از زبان شناسان دیگر ایرانی طی مصاحبه ای با بی.بی.سی. فارسی، ضمن یادآوری مجموعه مطالبی، در باب ناقص بودن خط در بیان حالت های مختلف روحی - بیانی، گفت:

"رسیدن به خطی بدون اشکال، خیال واهی است، زیرا هیچ خطی کامل نیست؛ بدین معنا که هیچ نظام نوشتاری نمی تواند تمام جنبه های زبان شناختی را منعکس کند. در دقت خود زبان در توصیف واقعیت های ملموس نیز شک است، چه برسد به خط که خودش صورت ناقصی از بیان است."

انتقال احساس های عمیق نفسانی - عاطفی - زیبایی شناسیک، مانند اندوه، شادی، پریشان حالی، بی تابی و حالت های مختلف دیگر از طریق خط (یا خط های) رایج و آوا های معمول، همانگون که آقای شهری گفتند، فکر نکنم که در هیچ حالت و به هیچ صورت صد در صد ممکن باشد.

غم و تأثیری بی نهایت زیاد را تنها با زدن دو دسته بر سر و سینه و زانو ها و وارد کردن خراش به و گونه ها و گردن می توان ابراز کرد، یا با خودکشی؛ نه با زبان!

بنابراین، و باجودی که رسیدن به خط و زبانی بدون اشکال، واهی پنداشته می شود، و زبان شناسان هیچ خطی را کامل نمی دانند، کسی راه را برای رفتن به سوی کمال در این زمینه بر روی انسان نبسته است.

اصلاح و اكمال خط و زبان، البته قدم به قدم، و تنها در جایی که لازم و ضروری است، در همان محدوده ای که امکان آن برای ما میسر می باشد، از طریق یک کانون معتبر و مسلکی، اقدامی نادرستی نیست؛ اما کاری که سودی عملی از آن برای ما عاید نمی گردد، مانند تغییر حرف "ط" به حرف "ت" در لفظ "بطری" تنها وقت ضایع کردن و افزودن بر درد سر های ما خواهد بود؛ گذشته از اینکه این کار احتمالاً سبب به هم ریختن یک نظام پابرجا و قدیمی خواهد شد، نظامی که دست زدن به آن به دست زدن به پرده ای کهنه و فرسوده ای می ماند که با ملایم ترین وزش بادی امکان به هم ریختن آن متصور است.

نوآوری ایرانی ها، که برخی از هموطنان عزیز ما با وجود مخالفت با آن ها و داد از دفاع از فرهنگ بومی خود می خواهند از آن ها پیروی کنند، با آنکه مرجع تقلید، خود رسیدن به زبان و خط بدون اشکال را توهمی بیش نمی داند، تا جایی که من با تفکرات و روحیه شوونیستی بسیاری از ایرانی ها آشنا هستم، به خاطر خود زبان نیست؛ بلکه به دلیل نفرت از عرب ها است، که طی کم و بیش پنج صد سال بعد از به قدرت رسیدن صفوی ها در ایران، به خصوص از زمان رضا خان و رضا شاه، به خوبی قابل رؤیت است.

خلاطه کلام: ما باید هویت خط خویش را که اینک بعد از 1200-1300 سال دیگر، و بیشتر خط دری/افغانی است تا عربی، حفظ کنیم. نه تنها هویت خط و زبان، که هویت فرهنگی خود را در مجموع باید در برابر فرهنگ های دیگر حفظ کنیم. زیرا زبان تنها خط و دستور نیست، بلکه آنگونه که گاليله می گفت "ابزاری است برای بیان مخفی ترین افکار فرد... از طریق آرایش مختلف صرفاً بیست و چهار حرف [یا بیست و هشت و یا سی و سی حرف] بر روی صفحه کاغذ..."، به بیان نوام چامسکی!

به همان کچالو و بادنجان رومی و بادرنگ و بطری و بوظل و اطلاق و... خود به جای سیب زمینی و گوجه فرهنگی و خیار و باتری و بطری و اطلاق و... ایرانی ها قناعت و افتخار کنیم. اطاق را اطاق و طوفان و افلاطون و امپراطور و... را طوفان و افلاطون و امپراطور و... بنویسیم؛ نه اتاق و توفان و افلاتون و امپراتور و...

در برابر برخی ها که می خواهند در رابطه با خط و زبان ما بدون دلیل موجهه اعمال سلیقه کنند، باید باستیم و نگذاریم که این ها نظم ساختاری زبان و خط ما را، هر چند اینجا و آنجا نارسا، برهم بزنند.

کاری که آقای قیس کبیر در زمینه تدوین لغتنامه دری/افغانی آغاز کرده است، با همه بی انصافی ای که ایشان در حق من روا داشته اند، یکی از کار هایی است که می تواند در راستای غنای سازی زبان و رفع مشکلات ما مفید واقع گردد.

همکاری بی شائبه با قاموس کبیر، که پورتال افغان جرمن آنلین در تلاش تدوین آن است، بدون شک یکی از راه هایی است که ما می توانیم به نوبه خود در اکمالی بخشی از کار تحول زبان و ایجاد رسم الخط واحد در کل در کشور خود سهم داشته باشیم.

خواهش و توصیه من از/به همه هموطنان بادرک و دلسوز به خط و زبان و داشته های فرهنگی افغانی این است که به جای بر هم زدن نظم ساختاری و قواعد نوشتاری خط و زبان دری/افغانی و ایجاد مانع در کار تدوین و پیشرفت قاموس کبیر افغانستان، که لاجرم و بالاخره به شوکت و ابهت و فربهی خود خواهد رسید، دستی از آستین خیر بیرون کنند و همان کنند که عشق به وطن آن ها را به کردن آن مکلف ساخته است.

در اخیر این نکته را باید یادآور شوم که از آغاز کار اولین فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از جمله فرهنگستان های سه گانه ایران، حداقل 84 سال می گذرد. یکی پی دیگری از سوی دولت ها و امکاناتی که دولت ها در اختیار شان می گذاشت، تأسیس شدند، ولی هنوز، طوری که همه شاهدیم، در کار های شان کوتاهی هایی وجود دارد.

با این تجربه، انتظار معجزه و انتقاد از تیم کاری قاموس کبیر افغانستان، اگر نگوییم ظالمانه، بدون شک دور از انصاف خواهد بود!